

جهانی شدن و تحولات ساختاری در جامعه روستایی

دکتر منصور وثوقی^۱، علی ایمانی^۲، علی کاظمی^۳

چکیده

برخی جهانی شدن را تشدید و ابستگی متقابل جهان به همدیگر و گسترش روابط اجتماعی در سطحی وسیعتر تعریف نموده‌اند. عده‌ای نیز تغییر شکل روابط اجتماعی و کنش متقابل فرایندهای محلی و جهانی و سازماندهی و اعمال قدرت در سطح جهانی را بعنوان جهانی شدن در نظر گرفته‌اند. دیگران آن را صرفاً یک مسئله اقتصادی در نظر گرفته و روان‌سازی جریان‌های مالی و تجاری و آزادسازی تجارت و اقتصاد آزاد را بعنوان فرایند جهانی شدن تعریف نموده‌اند. در این مقاله ابتدا با یک رویکردی انتقادی مفاهیم و رویکردهای مختلف گفتمان‌های جهانی شدن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و پس از آن با ارائه یک مدل مطالعاتی، الگوی تغییر در جامعه روستایی بعنوان یک اجتماع محلی که به شدت در معرض جهانی شدن دچار چالش‌هایی خواهد بود، مورد توجه واقع می‌شود. جامعه روستایی از جهات مختلف در اثر فرایندهای جهانی شدن دچار تغییرات جدی شده است و در آینده نیز تبعات این تحولات چالش‌های عمده‌ای را به بار می‌آورد. امروزه دیگر هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که در انزوای مطلق به سر ببرد و روابط متقابلی را با دنیای پیرامون نداشته باشد. لذا کمتر کسی می‌تواند ادعای تاثیر فرایندهای جهانی شدن را در اجتماعات محلی انکار نموده و یا زود هنگام بداند. اگر چه در بین محققان ایرانی مسئله بررسی تغییرات در اجتماعات محلی با در نظر گرفتن نقش فرایندهای جهانی شدن کمتر مورد اقبال بوده است (که دلیل نگارش این مقاله نیز از اینجا ناشی می‌شود) ولی حجم مطالعات تجربی و میدانی انجام شده در کشورهای صحرای آفریقا، آمریکای لاتین و کارائیب، جنوب آسیا، شرق آسیا، چین و هند طی دهه اخیر دال بر اهمیت تغییرات ناشی از فرایندهای جهانی شدن در جوامع روستایی و محلی است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، جامعه روستایی، تحولات ساختاری، جوامع محلی، دهقانان خرده پا

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۱/۱۵

^۱ استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری توسعه روستایی دانشگاه تهران

^۳ کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه

طی دهه‌های اخیر در حوزه علوم اجتماعی و تغییرات اجتماعی پارادایم‌های مختلفی برای تبیین جوامع در حال تحول ظهور نموده‌اند. چه بسا برخی از این پارادایم‌ها، حوزه مسلط تبیین در علوم اجتماعی را شکل داده‌اند. جهانی شدن نیز طی دو دهه گذشته بعنوان رهیافتی موثر برای تبیین تغییر در جوامع مختلف بکار رفته است. این رهیافت در بسیاری از موارد هم بعنوان موضوع مورد توجه جامعه‌شناسان و هم بعنوان یک گفتگویی که واکنش‌هایی را در پی داشته و گروه‌های مختلفی را گرد خود جمع کرده است، مورد توجه بوده است. لذا از این حیث جهانی شدن بعنوان یک پارادایم، رهیافت و یا یک موضوع مورد توجه برای بررسی تغییرات اجتماعی در جوامع مختلف، به گونه‌های مختلف و متعددی تفسیر شده و در بسیاری از موارد دچار کج فهمی و سوء تعبیر شده است. به همین دلیل طی دو دهه گذشته ذهن اندیشمندان علوم اجتماعی بشدت مشغول نظریه‌سازی در باره جهانی شدن و فرایندهای ناشی از آن بوده است. سرعت تغییرات اجتماعی نیز طی این دو دهه به گونه‌ای بوده است که شگفتی و حیرت تحلیل‌گران را موجب گردیده و شتاب زدگی در تحلیل مسایل اجتماعی خود منجر به ظهور پارادایم‌های التقاطی در حوزه جامعه‌شناسی شده است. لیکن تعجب‌آور نیست که مفهومی مثل جهانی شدن که ابعاد آن به تمام شئون زندگی انسانها گسترده است، این چنین متفاوت ارزیابی شده باشد.

برخی جهانی شدن را تشدید وابستگی متقابل جهان به همدیگر و گسترش روابط اجتماعی در سطحی وسیعتر تعریف نموده‌اند. عده‌ای نیز تغییر شکل روابط اجتماعی و کنش متقابل فرایندهای محلی و جهانی و سازماندهی و اعمال قدرت در سطح جهانی را بعنوان جهانی شدن در نظر گرفته‌اند. دیگران آن را صرفاً یک مسئله اقتصادی در نظر گرفته و روان‌سازی جریانات مالی و تجاری و آزاد سازی تجارت و اقتصاد آزاد را بعنوان فرایند جهانی شدن تعریف نموده‌اند. تعدادی از متفکران نیز جهانی شدن را تغییر در ابعاد مختلف زندگی انسان دانسته و پیچیدگی زندگی مدرن و درهم‌تنیدگی مسایل مختلف در جهان امروز را از عمده‌ترین مظاهر جهانی شدن در نظر گرفته‌اند، و برخی نیز واکنش‌هایی را که جهانی شدن بر انگیزه‌هاست مورد ارزیابی قرار داده‌اند. برخی بر مزایای آن تاکید نموده‌اند و برخی نیز آن را تهدیدی برای اجتماعات محلی تعبیر کرده‌اند. در این مقاله ابتدا با یک رویکردی انتقادی مفاهیم و رویکردهای مختلف گفتمان جهانی شدن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و پس از آن با ارائه یک مدل مطالعاتی، الگوی تغییر در جامعه

جهانی شدن و تحولات ساختاری در جامعه روستایی..... ۷

روستایی بعنوان یک اجتماع محلی که به شدت در معرض جهانی شدن دچار چالش هایی خواهد بود، مورد توجه واقع می شود. جامعه روستایی از جهات مختلف در اثر فرایندهای جهانی شدن دچار تغییرات جدی شده است و در آینده نیز تبعات این تحولات چالش های عمده ای را به بار می آورد. امروزه دیگر هیچ جامعه ای را نمی توان یافت که در انزوای مطلق به سر ببرد و روابط متقابلی را با دنیای پیرامون نداشته باشد. جوامع محلی نیز با تشدید مدرنیزاسیون و تجاری شدن تولید به دنیای بیرون هر چه بیشتر وابسته شده و الگوهای زندگی خود را تغییر داده اند. جهانی شدن نیز که طی دو دهه گذشته تمام ابعاد زندگی انسان را تحت تاثیر قرار داده است با حمایت تکنولوژی های ارتباطی و اطلاعاتی و وابسته شدن جریانهای مالی و پولی بدان و بطور کلی وابستگی سه بخش عمده اقتصادی جهان یعنی تولید، توزیع و خدمات، چهره زندگی انسانها را در تمام نقاط جهان از روستا تا کلان شهرها دگرگون نموده است. از این جهت کمتر کسی می تواند ادعای تاثیر فرایندهای جهانی شدن را در اجتماعات محلی انکار نموده و یا زود هنگام بداند. اگرچه در بین محققان ایرانی مسئله بررسی تغییرات در اجتماعات محلی با در نظر گرفتن نقش فرایندهای جهانی شدن کمتر مورد اقبال بوده است (که دلیل نگارش این مقاله نیز از اینجا ناشی می شود) ولی حجم مطالعات تجربی و میدانی انجام شده در کشورهای صحرای افریقا، آمریکای لاتین و کارائیب، جنوب آسیا، شرق آسیا، چین و هند طی دهه اخیر دال بر اهمیت تغییرات ناشی از فرایندهای جهانی شدن در جوامع روستایی و محلی است.

جهانی شدن چه تفسیر اقتصادی شود و یا نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در آن با اهمیت تلقی شود، جامعه روستایی را تحت تاثیر قرار می دهد. کدام مدلها و الگوهای تحلیلی برای بررسی تغییرات ناشی از جهانی شدن در جامعه روستایی مناسب اند؟ و اساساً جوامع روستایی در اثر این فرایندها چه واکنشی را نشان داده و چه عاقبتی خواهند داشت؟ محققان در تحلیل جهانی شدن آن را بعنوان یک فرآیند دگرگون ساز و تغییر دهنده در نظر می گیرند که ممکن است از طریق تاثیر در تولیدات، رشد، توزیع درآمد، تکنولوژی، امنیت معاش و سیاست گذاریها در رفاه و آینده روستاییان تاثیر داشته باشد. این تاثیرات ممکن است مثبت یا منفی باشد. نیروهای جهانی شدن، تجاری شدن و آزادسازی اقتصادی فوق العاده قوی و ذی نفوذ هستند. این نیروها چه تاثیراتی در وضعیت زندگی روستایی و بخصوص فقر معیشت روستایی می تواند داشته باشد؟ بررسی تاثیرات متقابل نیروهای دگرگون ساز تردیدهایی در توانایی کشاورزی خرد و کوچک مقیاس سنتی در

انطباق با آن را نشان می‌دهد. درباره پیامدهای جهانی شدن برای "تولید کشاورزی پیچیده، متنوع و مخاطره آمیز" در جنوب که عمدتاً به صورت دیمی و روی زمین‌های ناهموار، زمین‌های حاشیه‌ای، کوه‌ها، تپه‌ها، زمین‌های باتلاقی و مناطق گرمسیری نیمه خشک، نیمه مرطوب و مرطوب یافت می‌شود (چمبرز، ۱۳۸۱، ص ۱۳۶) چه می‌توان گفت؟ در این مجال اندک برخی از این سئوالات مورد توجه و ارزیابی انتقادی قرار خواهند گرفت.

چالش مفاهیم و رویکردهای جهانی شدن

هر اندازه که در حوزه‌ی علوم اجتماعی و تغییرات اجتماعی اندیشیده شود با مطالعه‌ی تطبیقی دنیای مدرن و جهان سنتی می‌توان پی برد که سرعت تحولات و تغییرات در عصر جدید بقدری پرشتاب و سریع است که نه کسی را یارای مقابله با آن است و نه سازگاری و انطباق. افراد و جریان‌های اجتماعی نیز به سرعت در حال تغییر و سعی در انطباق‌پذیری با فرایندهای تغییر هستند، در عین حال شتاب تغییرات به گونه‌ای است که در طی مدت زمانی کوتاه اجتماعات محلی و سنتی را در هم کوبیده و ابعاد مختلف حیات اجتماعی را به هم می‌ریزد. جهانی شدن نیز پدیده‌ای است که پیامد چنین تغییراتی بوده است. جهانی شدن از حیث جامعه‌شناختی پدیده‌ای نوظهور است. اگرچه تعاملات و ارتباطات جهانی بین اقوام، ملل و امپراتوری‌ها از اعصار و قرون گذشته وجود داشته است. لیکن آنچه که امروزه به عنوان فرایندهای جهانی شدن شناخته می‌شود پدیده‌ای است که ناشی از مدرن شدن جامعه‌ی جدید است که بر بستر انقلاب صنعتی و انقلابات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرن ۱۸ به بعد شکل گرفته است.

آنچه که در این دوران شکل گرفت و به عنوان وجه غالب صور اجتماعی جوامع شناخته شد سرمایه‌داری بود. لذا عده‌ای را عقیده بر آن است که گویا جهانی شدن نیز تدویم سرمایه‌داری است، به عبارتی جهانی شدن دور چهارم سرمایه‌داری است. قبل از آن که از بعدی کل‌گرایانه و تئوریک فرایند جهانی شدن مورد بررسی قرار گیرد، ضروری است که معانی متعدد آن روشن شود.

واژه‌ی جهانی شدن به عنوان یک واژه‌ی مهم تا اوایل یا حتی اواسط دهه ۱۹۸۰ در محافل دانشگاهی چندان به رسمیت شناخته نمی‌شد، هرچند که جلوتر از این تاریخ پیدا شده بود و گاهی به کار می‌رفت. در نیمه‌ی دوم دهه ۱۹۸۰ بود که استفاده از این مفهوم

به سرعت رواج یافت تا حدی که اکنون ردیابی نحوه‌ی انتشار آن در مناطق گسترده‌ای از جهان ناممکن است (رابرتسون، ۱۳۸۵، ص ۳۶). به عقیده‌ی گیدنز نیز جهانی شدن تاریخچه‌ی جالبی دارد چرا که این مفهوم تا تقریباً پانزده سال پیش نه در کتاب‌های دانشگاهی به کار می‌رفت و نه در مطبوعات ولی اکنون همه‌جا هست (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۳۴). اگر چه جهانی شدن شاید صرفاً به عنوان به هم پیوستگی فزاینده‌ی جهانی تعریف شده باشد، اما تعدادی از فرایندهای پیچیده و به هم مرتبط که اساساً اقتصادی، تکنولوژیک، فرهنگی، محیطی و سیاسی هستند تحت عنوان جهانی شدن تئوریزه گردیده‌اند. جهانی شدن در بردارنده‌ی جریان کالاها، سرمایه، انسان‌ها، اطلاعات، عقاید، اندیشه‌ها، خطرات بین مرزهای ملی است که با ظهور شبکه‌های اجتماعی و نهادهای سیاسی توأم شده است (نش، ۱۳۸۰، ص ۷۱) که به وسیله تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی حمایت و تسهیل می‌شود.

لغت‌نامه اکسفورد اشاره دارد که کاربرد جهانی شدن به معنای در هم تنیدگی اجزای جامعه‌ی جهانی اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی متأثر از نظریه‌ی مارشال مک‌لوهان درباره‌ی دهکده‌ی جهانی است که در کتاب «اکتشافات در ارتباطات» مطرح کرده است. مفهوم در هم فشردن جهان نیز در همین کتاب هنگام بحث از حضور همه جایی وسایل ارتباطی به ویژه وسایل بصری در دنیای جدید مورد بحث قرار گرفته است (رابرتسون، ۱۳۸۵، ص ۳۶).

دیوید هلد و آنتونی مک‌گرو (۱۳۸۲) در تعریف جهانی شدن به بعد جامعه‌شناختی آن تأکید کرده و آن را سطح در حال افزایش، دامنه‌ی رو به رشد و تأثیر پرشتاب، فزاینده و عمیق جریان‌ها و الگوهای فراقاره‌ای تعامل اجتماعی می‌دانند. جهانی شدن به تغییر یا دگرگونی در سطح سازماندهی بشری اشاره دارد که جوامع دور را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و دامنه‌ی دسترسی روابط قدرت در سراسر مناطق و قاره‌های جهان را گسترش می‌دهد (هلد، ۱۳۸۲، ص ۱۷).

مارتین البرو تعریف جامعی از جهانی شدن ارائه کرده است. او جهانی شدن را در وهله‌ی اول به جهانی ساختن و «جهانی ساخته شدن» تعبیر می‌کند که به وسیله‌ی اشاعه‌ی فعالانه‌ی کردارها، ارزش‌ها، تکنولوژی و دیگر محصولات بشری به تمام جهان صورت

می‌پذیرد. زمانی که محصولات جهانی نفوذ فزاینده‌ای در زندگی مردم داشته و جهان به عنوان کانونی برای فعالیت‌های بشری و یا پیش‌فرضی برای شکل دادن به فعالیت‌های بشری عمل می‌کند تغییرات فزاینده در اثر این تعاملات به وجود می‌آید که نتیجه‌ی آن می‌تواند جهانی شدن به مثابه‌ی عمومیت چنین مواردی باشد (البرو، ۱۹۹۶، ص ۸).

از این حیث جهانی شدن را می‌توان گسترده شدن، تعمیق و تسریع شدید ارتباط متقابل در سطح جهانی^۱، در تمام ابعاد زندگی اجتماعی از بعد مادی گرفته تا ابعاد معنوی در نظر گرفت. به عبارت دیگر فرایند یا فرایندهایی که موجب تحول در سازمان فضای روابط و کنش‌های متقابل اجتماعی و مستلزم ایجاد جریان‌های فراقاره‌ای یا بین منطقه‌ای و متضمن شبکه‌های فعالیت، کنش متقابل و اعمال قدرت است (آلن کراکر، ۱۳۷۳، ص ۳۱۷).

از یک نگاه کلی جهانی شدن به در هم تنیدگی اجزای جامعه جهانی اشاره دارد، همان‌گونه که گفته شد جهانی شدن حاصل در هم کنش ابعاد مختلف زندگی اجتماعی انسان و پدیده آمدن ساختار و کارکرد جدیدی است که روابط اجتماعی جدید در آن شکل می‌گیرد از این لحاظ دیوید هلد و آنتونی مک‌گرو جهانی شدن را تشدید و افزایش هم‌پیوندی مضامین فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در سراسر جهان با همدیگر و ایجاد یک فضای اجتماعی مشترک^۲ می‌دانند (هلد، ۱۹۹۹، ص ۱).

شاید عینی‌ترین مصداق جهانی شدن در عرصه‌ی اقتصادی متجلی باشد چرا که جهانی شدن ابتدا از عرصه‌ی اقتصادی به سایر ابعاد حیات اجتماعی رخنه کرده است. از این منظر اقتصاددانان جهانی شدن را به هم پیوستگی جریان کالاها، سرمایه، نیروی کار، بازارها و تکنولوژی می‌دانند که با دستورالعمل‌های نظام سرمایه‌داری در راستای حذف نظارت دولت^۳، آزادسازی تجاری^۴، خصوصی‌سازی^۵ و اقتصاد آزاد تشدید شده و در لوای برنامه‌هایی نظیر؛ برنامه‌های تعدیل ساختاری^۶ از طرف بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی مورد حمایت و اجرا قرار می‌گیرد. بر این اساس استیگلیتز جهانی شدن را رفع موانع تجارت آزاد و ادغام هرچه بیشتر اقتصادهای ملی در یک اقتصادی یکپارچه و بین‌المللی می‌داند (استیگلیتز، ۱۳۸۲، ص ۱۵). با این وجود بازار اقتصاد جهانی به شکلی تصور می‌شود که طی آن علم اقتصاد ملی مشخص، در طبقه خاص قرار

می‌گیرد و از طریق بازار معاملات و جریان‌ات بین‌المللی مبادله و از طریق انتشار مزایای انقلاب صنعتی، در ترکیب نظام جهانی جای می‌گیرد (اشمیت و هرش، ۱۳۸۴، ص ۳۴).

اگرچه بعد اقتصادی جهانی شدن عینی‌ترین وجه آن است و قبل از هر چیزی جوامع در حال توسعه را تحت تأثیر قرار داده است و از طریق مصرف، تولید، سرمایه و نیروی کار مردم این جوامع را در شبکه‌ای به وسعت کل کره زمین به هم پیوند زده است لیکن از آن‌جا که اساس و پایه‌ی جهانی شدن بر تعامل و کنش متقابل جوامع با یکدیگر قرار گرفته است و بستر آن را نیز تکنولوژی‌های ارتباطی، اطلاعاتی و حمل و نقل فراهم نموده است، لذا تأثیرات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن نیز به مراتب پیچیده‌تر، وسیع‌تر و عمیق‌تر از ابعاد اقتصادی آن بوده و بر تمامیت زندگی جوامع جهان سوم سایه انداخته است. آنتونی گیدنز (۱۳۸۶) نیز در ویرایش جدید کتاب جامعه‌شناسی فصلی مجزا را به مبحث جهانی شدن اختصاص داده و با نگاهی به ویژه جامعه‌شناسانه مسأله‌ی جهانی شدن را مورد ارزیابی قرار داده است. به اعتقاد وی نیز اگرچه جنبه‌های اقتصادی جهانی شدن ملموس‌تر است، در عین حال جنبه‌های اجتماعی- فرهنگی آن بسیار عمیق‌تر و وسیع‌تر بوده و به لحاظ ساختاری پیچیده‌تر و ماندگارتر است (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۷۵).

گیدنز معتقد است «دنیایی که ما امروز در آن زندگی می‌کنیم ما را بسیار بیش از مردمان زمان‌های گذشته به دیگران، حتی به کسانی که هزاران فرسنگ از ما دور هستند، وابسته می‌کند. این پیوندهای میان امور محلی^۷ و امور جهانی^۸، در تاریخ بشر کاملاً تازه‌گی دارد، و طی سی یا چهل سال گذشته شتاب زیادی گرفته‌اند که نتیجه‌ی پیشرفت‌های نمایان و چشمگیر در فناوری ارتباطات و اطلاعات و حمل و نقل است (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۷۵). توسعه هواپیماهای جت، کشتی‌های باری عظیم و سریع و سایر وسایل حمل و نقل سریع به این معناست که می‌توان مردم و کالاها را به طور مداوم به سراسر نقاط جهان حمل کرد. نظام جهان گستر ارتباط ماهواره‌ای که فقط حدود سی سال از عمر آن می‌گذرد، این امکان را فراهم آورده است که مردم بدون فوت وقت با هم در تماس باشند. جامعه‌شناسان از اصلاح جهانی شدن برای اشاره به همین فرآیندها استفاده می‌کنند، فرایندهایی که روابط اجتماعی و وابستگی متقابل جهانی را تشدید و تقویت می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۷۵). از آن‌جا که جهانی شدن پدیده‌ای محلی نیز هست

اجتماعات محلی و جوامع دورافتاده نیز از آن تأثیرپذیرند. امروزه گره‌های جهانی شدن چنان در هم پیچیده است که هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که در هاله‌ای از انزوا فرو رفته باشد. جادوی تلویزیون و ارتباطات الکترونیکی از یک طرف و صنعتی شدن شدید جوامع از طرف دیگر اجتماعات محلی را چنان تحت تأثیر قرار داده است که گاهی مطالعه‌ی تغییر را غیر ممکن می‌سازد. «جهانی شدن، سیمای ظاهر جهان و همچنین نحوه نگرستن ما به جهان را دگرگون می‌سازد. با اتخاذ نگرش جهانی ما اطلاع بیشتری از روابط و پیوندهایمان با مردم جوامع دیگر پیدا می‌کنیم (کیدنز، ۱۳۸۶، ص ۷۶). از منظر مخالفان نیز جهانی شدن به گونه‌ای متفاوت توصیف گردیده است. بهاگواتی^۹ (۱۳۸۴) در کتاب «دفاع از جهانی شدن»^{۱۰} با نقد مخالفان چنین می‌نویسد که با آشکار شدن این مباحث، این فکر و سوسه‌انگیز به ذهن خطور می‌کند که پدیده‌ی جهانی شدن از آغاز مذموم شمرده است. هرچه باشد در واقع جهانی شدن واژه‌ای نحس است. تا امروز جهانی شدن به پدیده‌ای محتوم به مجادله‌ی بی‌پایان و کانون احساسات خصمانه‌ی ابدی و گاهی اعتراضات خشونت‌بار تبدیل شده است. هرچه بیشتر قرن جدید را پشت سر می‌گذاریم به طور قطع جهانی شدن موضوعی تعیین کننده به شمار می‌آید لذا دلایل وقوع آن و وسعت تأثیر آن مسلماً باید درک شود (بهاگواتی، ۱۳۸۴، ص ۳).

رویکرد های جهانی شدن

اندیشمندان علوم اجتماعی جهانی شدن را از ابعاد مختلف مورد توجه قرار داده و دست به نظریه‌پردازی درباره‌ی آن نموده‌اند. جهانی شدن واقعیتی است که در حال وقوع بوده و هرچه به سمت آینده پیش می‌رویم بر شدت و عمق آن افزوده می‌شود. لذا یقیناً برای تحلیل این واقعیت می‌بایست مبانی نظری متقن و مستحکمی را بنا نمود. از این حیث مطالعات انجام گرفته در این باره را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرار داد:

۱- آن دسته از مطالعات و نظریه‌هایی که مسائل و موضوعات مرتبط با جهانی شدن را مورد مناقشه و نقد و بررسی قرار داده‌اند. این گروه علاوه بر آن که هر یک عمدتاً با توسل به یک خاستگاه نظری که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد، مسأله‌ی جهانی شدن را در پرتو آن مورد عنایت قرار می‌دهند، و با پنج موضوع و مسأله‌ی محوری که در ارتباط با جهانی شدن چالش‌های جدی پیش روی هزاره‌ی جدید گزارده است، نقد و

بررسی خود را سامان می‌دهند. این پنج موضوع محوری عبارتند از: الف) پدید آمدن نظام‌های جدید تولیدی، مصرف و مالی و یکپارچگی اقتصاد جهانی ب) الگوهای فرهنگی فراملی و جهانی، جریان‌ها، ایده‌ها و شعایر فرهنگ‌های جهانی ج) فرایندهای سیاسی جهانی و پدید آمدن نهادهای جدید فراملی و ساختارهای قدرت و حکومت جهانی در انواع مختلف د) تحرک چندبعدی بی‌سابقه افراد در سراسر جهان که شامل الگوهای جدیدی از مهاجرت، هویت و اجتماعات فراملیتی می‌شود. ه) وجود سلسله مراتب اجتماعی جدید، اشکال جدید نابرابری و روابط سلطه در سراسر جهان و در نظام جهانی به طور کلی.

در راستای تحلیل این مسائل دیدگاه‌های متنوعی پدید آمده است که هر یک جهانی شدن را به مثابه‌ی پیامد امری خاص با تأکید بر مبانی نظری به خصوصی تلقی کرده‌اند. نظیر کسانی که جهانی شدن را به مثابه‌ی پسامدرنیزه کردن و یا جهانی شدن را به مثابه‌ی نتیجه‌ی سرمایه‌داری تلقی می‌نمایند. این رویکردها در ادامه مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرند.

۲- دسته‌ای از مطالعات و نظریه‌هایی که مفهوم جهانی شدن را فی‌نفسه مورد مطالعه قرار داده و ماهیت آن را کنکاش نموده‌اند. از این حیث نیز براساس واکنش‌هایی که نسبت به نفس جهانی شدن صورت گرفته است، سه دیدگاه عمده را می‌توان مورد شناسایی و مقوله‌بندی قرار داد: دیدگاه جهان‌گرایان افراطی^{۱۱}، دیدگاه دگرگونی‌گرایان یا تحول‌گرایان^{۱۲} و دیدگاه شک‌گرایان^{۱۳} نسبت به جهان شدن.

کیت نش (۱۳۸۰) و رایینسون (۲۰۰۶) هر یک به نوبه‌ی خود جهانی شدن را از منظر موضوعات و خاستگاه‌های مرتبط با آن به دسته‌های کم و بیش مشابه‌ای تقسیم نموده‌اند. رایینسون بر این عقیده است که جهانی شدن را می‌توان با تغییر فراگیر در آخرین دهه‌ی قرن بیستم و ارتباط فزاینده‌ی کشورها و مردمان سراسر جهان با یکدیگر مرتبط دانست (رایینسون، ۲۰۰۶، ص ۱۲۷). علاوه بر آن جهانی شدن را هر یک از این دیدگاه‌ها با در نظر گرفتن؛ زمان جهانی شدن، عوامل جهانی شدن و حوزه‌های تحت تأثیر-اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی- فرایندی بودن و شرایط جهانی شدن، دوره‌ای بودن و رابطه‌ی آن با مدرنیسم و پست‌مدرنیسم نقش دولت-ملت و جایگاه آن و نهایتاً ساختار

اجتماعی و قلمروزدایی از روابط اجتماعی (به عبارتی روابط بین محلی و جهانی بودن) به نحوی مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

منظومه‌ای از این موضوعات و مباحث مرتبط به هم به عقیده کیت نش (۱۳۸۰) و راینسون (۲۰۰۶) دیدگاه‌هایی را پدید آورده است که به اختصار بیان می‌شود.

جهانی شدن به مثابه مدرنیته و پست مدرنیته: این برداشت از جهانی شدن را بیش از همه در آثار گیدنز (۱۹۹۰) و اولریش بک می‌توان یافت (مک گرو، ۱۹۹۲، ص ۶۹) رابرتسون (۱۹۹۲) نیز به عنوان پیشگام نظریه جهانی شدن از این دیدگاه دفاع می‌کند. او در کتاب «جهانی شدن: نظریه اجتماعی و فرهنگ جهانی» (۱۹۹۲) تعریفی از جهانی شدن ارائه می‌کند که مورد توافق اکثر نظریه‌پردازان بعدی است. او جهانی شدن را به معنای در هم فشردن جهان و تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل و هم‌پیوندی‌های جهانی و آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کلیت که در قرن بیستم شکل گرفته و شدت یافته است در نظر می‌گیرد (رابرتسون، ۱۹۹۲، ص ۸).

این دیدگاه با در نظر گرفتن جهانی شدن به عنوان یک کل تحت تأثیر کارکردگرایی پارسونز این پدیده را با در نظر گرفتن رابطه بین فرد، جوامع ملی و نظام بین‌المللی با فرهنگ، اجتماع و روابط پدیدارشناختی آن‌ها مسأله را بررسی می‌نماید.

گیدنز جهانی شدن را نتیجه‌ی دینامیسم مدرنیته تلقی می‌کند که در بر دارنده‌ی چیزی است که آن را «تکه‌برداری»^۴ روابط اجتماعی از طریق فاصله‌گذاری زمانی-فضایی و استفاده‌ی بازاندیشانه از دانش می‌نامد. به عقیده گیدنز دینامیسم مدرنیته به گونه‌ای تغییرناپذیر به سوی جهانی شدن نهادهايش حرکت می‌کند، یعنی جهانی شدن سرمایه‌داری، صنعت‌گرایی و نظارت بر کنترل ابزار خشونت که در دولت ملت متمرکز شده‌اند. (گیدنز، ۱۹۹۰) به عقیده گیدنز ما هنوز در دوره مدرنیته زندگی می‌کنیم هرچند این مدرنیته تشدید شده و یا رادیکال شده است که در بر دارنده‌ی بسیاری از ویژگی‌هایی است که دیگران به پسامدرنیته نسبت می‌دهند. ولی، هنوز در عصر مدرن زندگی می‌کنیم. به عقیده او مدرنیسم نیروی حرکت بخش جهانی شدن است.

آیا جهانی شدن بیانگر این است که ما اکنون وارد عصری با ویژگی‌هایی متفاوت به نام عصر پسامدرنیته شده‌ایم و یا این که تداوم فرایندهایی است که از عصر مدرنیته آغاز

شده‌اند. این همان چیزی است که پست مدرنیست‌ها بدان پاسخ می‌دهند. آن‌ها دوران جدید را شروع یک تحول و عصری متفاوت از دوران مدرن می‌دانند.

به عقیده رابینسون (۲۰۰۶) این هردو دیدگاه تدوام مسلم نظریه‌های نوسازی نسل قبل است که در قالب جامعه‌شناسی توسعه مطرح گردیده بود. به گونه‌ای که جهانی شدن نیز تدوام فرایندهای نوسازی در سطح جهانی است. اگرچه نظریه‌پردازان پست‌مدرن گسستی را در دیدگاه‌های خود نسبت به مدرنیته ابراز می‌دارند. لیکن منشا چنین تفکری در همه‌گیر شدن عناصر نوسازی در سراسر جهان می‌توان برشمرد (رابینسون، ۲۰۰۶، ص ۱۳۹).

جهانی شدن به مثابه‌ی سرمایه‌داری جهانی: اگرچه برخی از محققان در چنین برداشتی از جهانی شدن با متفکران «نظام جهانی» اشتراک نظر دارند، اما در بسیاری از موارد تفاوت‌هایی بین آن‌ها ملاحظه می‌شود. هردو این متفکران به ماهیت بلندمدت و پهن دامنه و فرایندهایی که نقطه‌ی اوج آن جهانی شدن است و محدودیت ساختارهای اقتصادی جهانی با نگاه نقد سرمایه‌داری اظهار نظر می‌نمایند. لیکن کسانی که جهانی شدن را به مثابه‌ی سرمایه‌داری جهانی می‌دانند، انبساط و گسترش سرمایه‌داری را در قالب نظام جدید مالی و تولید جهانی در نظر می‌گیرند. جهانی شدن نهادهای سرمایه‌داری و به وجود آمدن ساختارهای مالی و تولیدی جهانی در قالب بازارهای جهانی سرمایه‌داری حاکی از رشد و گسترش سرمایه‌داری در مقیاس جهانی است (اسکلایر، ۲۰۰۲). اسکلایر^{۱۵} (۲۰۰۲) بر این عقیده است که سرمایه‌داری جهانی با سه عملکرد فراملیتی در سه سطح؛ اقتصادی با عاملیت سرمایه، سیاسی با عاملیت طبقه و سرمایه‌دار فراملیتی و فرهنگی ایدئولوژیک با عاملیت نخبگان فرهنگی در حال بازسازی و ساختاردهی مجدد جهان سرمایه‌داری در مقیاس جهانی است.

جهانی شدن به مثابه نسبیّت فرهنگی: این نگرش با تأکید بر عناصر فرهنگی جهانی شدن با پسامدرنیته پیوند خورده و در جامعه‌شناسی در چارچوب «چرخش پسامدرن» تلقی گردیده است. مسأله فرهنگ جهانی از آن حیث مطرح نیست که فرهنگ‌ها به سمت یکپارچگی و وحدت پیش می‌روند بلکه از آن جهت که در مقیاس وسیع بازسازی و ساخته می‌شوند و جریان تعامل فرهنگی در سطح وسیعی صورت می‌گیرد، مورد توجه است. از آن جهت که دامنه و سرعت شبکه‌های ارتباطی سراسر جهان باعث جریان یافتن

معانی، انسان‌ها و کالاها شده است. اصطلاح «فرهنگ جهانی» برای اشاره به جهانی شدن فرهنگ مورد استفاده قرار می‌گیرند نه برای ایجاد یک فرهنگ واحد و یکپارچه و برداشت اغراق‌آمیز از فرهنگ ملی (نش، ۱۳۸۰، ص ۹۶) بلکه به درهم آمیختگی و هم‌پیوندی فرهنگ‌های مختلف و محلی در سطح جهانی اطلاق می‌شود. از این منظر می‌توان گفت که فرهنگ‌های محلی و بومی مجال نمایش و ظهور در سطحی جهانی را پیدا کرده و در بسیاری از موارد تبدیل به ذائقه‌ی مصرف جهانی گردیده است.

دیدگاه نظام جهانی و جهانی شدن: برخی از متفکران پارادایم نظام جهانی را پیشرو و منادی نظریه‌های جهانی شدن قلمداد می‌کنند. به اعتقاد اریقی^{۱۶} تحلیل نظام جهانی به عنوان یک پارادایم متمایز جامعه‌شناختی ۱۵ سال قبل از کاربرد جهانی شدن به عنوان یک موضوع پژوهش آکادمیک مورد اقبال محققان قرار گرفته بود (اریقی، ۲۰۰۵، ص ۳۳). والرشتاین به عنوان سردمدار این دیدگاه که هم متأثر از مارکسیسم و هم منتقد ساختی کارکردی‌ها، دنیای جدید را به عنوان یک نظام و آن هم نظام جهانی قلمداد می‌کرد، نظامی که مبنای آن را اقتصاد جهانی سرمایه‌داری پایه‌ریزی می‌کرد و در بدنه خود از مراکز، پیرامون و نیمه پیرامون تشکیل می‌شد که هر یک از ویژگی‌های خاص خود برخوردار است. این نظام به عنوان منظومه و سیستمی است که تمام اجزای آن با هم در ارتباط هستند و هر یک دارای کارکرد خاص خویش است. به عقیده والرشتاین سرمایه‌داری یک نظام جهانی و تنها نظام جهانی یکپارچه‌ای است که از یک دینامیسم درونی توسعه‌برخوردار بوده و برای مبارزه با «بحران‌های چرخه‌ای»^{۱۷} که دچار آن است - نیاز به گسترش مرزهای جغرافیایی‌اش دارد (الرشتاین، ۱۹۹۱) البته بسط و توسعه این مرزها نه در سطح دولت-ملت و یکپارچه نمودن جهان، بلکه گشودن بازارهای لازم برای جلوگیری از اشباع کسب سود است. از این منظر جهانی شدن در قالب دینامیسم درونی سرمایه‌داری در راستای گشودن تمام بازارها برای تأمین کارکردهای پایان‌ناپذیر سرمایه‌داری است.

جهانی شدن و جامعه شبکه‌ای: مانوئل کاستلز^{۱۸} (۱۳۸۰) در کتاب سه جلدی خود عصر اطلاعات یک رویکرد تکنولوژی محور را برای جهانی شدن مطرح کرده است علی‌رغم اینکه دیدگاه او درباره جهانی شدن از برخی جهات با سرمایه‌داری جهانی و نظام جهانی

در آمیخته است، اما با یک مبنای نظری متکی بر اطلاعات و شبکه ای شدن کنش متقابل اجتماعی در یک فضای مجازی یک بر ساخت اطلاعات محور و شبکه محور از جهانی شدن ارائه می کند. به عقیده کاستلز مبنای جهانی شدن در عصر جدید اطلاعات است که بر دو چیز استوار است: اول اینکه گسترش تکنولوژی های اطلاعاتی به خصوص کامپیوتر و اینترنت که شیوه توسعه توسعه خاصی را در دنیای سرمایه داری تحت عنوان اطلاعات گرایی^{۱۹} شکل داده است (کاستلز، ۱۳۸۰). دیگری تجدید ساختار سرمایه داری در قالب به کارگیری تکنولوژی جدید در چارچوب نظام جدید سرمایه داری اطلاعاتی چیزی که کاستلز و دیگران به عنوان اقتصاد جدید سرمایه داری مطرح می نمایند. این اقتصاد اولاً دانش محور و اطلاعات محور است ثانیاً تولیدات آن جهانی است و در مقیاس جهانی سازماندهی می شود. ثالثاً شبکه ای است و تولید از طریق شبکه های جهانی کنش متقابل ایجاد می شود. به عقیده کاستلز اقتصاد جهان اقتصادی است با ظرفیت کار و تولید در زمان واقعی در مقیاس جهانی و شامل بازه های مالی جهانی و جهانی سازی تجارت و گسترش شبکه های تولید بین المللی و جهانی سازی علم و تکنولوژی. عمده ترین نهاد پشتیبان آن نیز بنگاه های اقتصادی شبکه ای شده ای است به عنوان یک سازمان اجتماعی جامعه شبکه ای را در راستای تحکیم جهانی شدن شکل می دهد. بنگاه اقتصادی شبکه ای شده فرهنگ اقتصاد اطلاعات جهانی را شکل می دهد که خود یک شبکه یکپارچه ای از کنش متقابل را در دنیای مجازی که تحت عنوان واقعیت مجاز^{۲۰} توصیف می شود، به وجود می آورد (کاستلز، ۱۳۸۰).

علاوه بر رویکردهای مطرح شده که هر یک به نوعی خاستگاه جهانی شدن را با مبانی نظری خاص خود مورد بررسی قرار می دهند نظریه هایی نیز نظیر دیدگاه های فضایی و مکانی جهانی شدن، فراملیت گرایی و فراملیتی شدن و برخی تعبیر و معانی متعددی که از جهانی شدن می شود به نوبه خود ابعادی از مسئله را مورد بررسی قرار داده اند که با بحث حاضر کمتر مرتبط می شوند. برای بررسی دقیق تر موضوع تحولات ساختاری در جامعه روستایی نیاز به نظریه هایی است که گسترش موج سوم جهانی شدن و رشد فزاینده ارتباطات الکترونیک و تجاری شدن تولیدات محصولات کشاورزی و صنایع روستایی از یک طرف و به هم پیوستگی و یکپارچگی هر چه بیشتر جوامع و

اقتصادهای ملی و فرا ملی را از طرف دیگر به صورت یک منظومه ای بتواند مورد تدقیق قرار دهد. در این راستا علاوه بر این دیدگاه‌ها واکنش نسبت به جهانی شدن را می‌توان در راستای تحلیل مسائل جامعه روستایی مورد تأکید قرار داد.

جهانی شدن و تحولات نوین در جامعه روستایی

همانگونه که در بحث‌های قبلی نیز اشاره شد جهانی شدن از یک بستری اقتصادی آغاز شده و به سمتی پیش رفته است که ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تمام اجتماعات را تحت تأثیر قرار داده است. محققان در تحلیل جهانی شدن آن را به عنوان یک فرآیند دگرگون ساز و تغییردهنده در نظر می‌گیرند که ممکن است از طریق تأثیر در تولیدات، رشد، توزیع درآمد، تکنولوژی، امنیت معاش و سیاست گذاری‌ها در رفاه و آینده جوامع روستایی مؤثر باشد (باردان، ۲۰۰۶، ص ۱۳۹۳). این تأثیرات ممکن است مثبت یا منفی باشد با توجه به واکنش جوامع و کشورها به این مسئله طی چند سال اخیر نشان داده شده است که عوامل داخلی و خارجی مؤثر در این فرآیند در هر کشوری مجموعه ای از سیاست‌ها و استراتژی‌ها را می‌طلبند که نهایتاً برآیندی از واکنش به جهانی شدن را به دست می‌دهد. تجارب برخی کشورها نشان داده است که سیاست‌ها و استراتژی‌ها در مواردی مثبت و در مواردی تبعات منفی برای اجتماعات محلی به بار آورده است. تا کنون کشورهایی مثل چین، اندونزی و هند و برخی کشورهای آمریکای لاتین نظیر برزیل از این رهگذر به نتایج قابل توجهی در رشد، توزیع درآمد، تغییرات تکنولوژیک در عرصه کشاورزی و تحقیقات کشاورزی، امنیت معاش و کاهش فقر در اجتماعات محلی دست یافته‌اند. این در حالی است که برخی کشورهای آفریقایی، جنوب آسیا، خاورمیانه و برخی کشورهای آمریکای لاتین در این بازی فرصت‌های قابل توجهی را از دست داده‌اند. نیروهای جهانی شدن، تجاری شدن و آزادسازی اقتصادی، روان سازی جریان سرمایه و آزادی سرمایه گذاری‌های مختلف مالی و نظایر آن فوق العاده قوی و تأثیرگذارند. این نیروها نتایج متفاوت و مختلفی را در گروهی از کشورهای جهان به دنبال داشته است مرور برخی مطالعات صورت گرفته در راستای تغییرات تولید ناخالص داخلی و ترکیب و توزیع درآمد در سطح جهان و بین و میان کشورها روند این فرآیندها را طی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد.

جهانی شدن و تحولات ساختاری در جامعه روستایی.....۱۹

مطالعات بیشماری سعی در تخمین تغییرات مربوط به توزیع درآمد جهان در میان کشورها و درون کشورها در نیمه دوم قرن بیستم داشته اند، بلوتر و نونیلو (۱۹۹۹) داده هایی برای ۴۹ کشور را فراهم نمودند، دریافتند که سنجش، نابرابری درآمد جهانی نشان می دهد روند متوسطی را به سمت هماهنگی که تا سال ۱۹۸۰ شروع شده است. ملیشیو، تل و ویگ^{۲۱} (۲۰۰۰) با نمونه گیری از ۱۱۵ کشور تغییرات نابرابری درآمدی بین کشورها را بر این اساس ارزیابی کردند، آنها دریافتند که بعد از یک دوره ثبات از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ درآمدهای جهان از اواسط دهه ۸۰ تا اواسط دهه ۹۰ به یک سمت حرکت می کند. مطالعات دیگری نیز با نمونه های مختلف و زمان های مورد بررسی مختلف به همان نتایج رسیدند (شولتز ۱۹۸۸، فایرو ۱۹۹۹، رادتسکی و جانسون ۲۰۰۰). در یک نمونه ۱۰۰ کشوری کلارک، کرای و دولار^{۲۲} (۲۰۰۱) دریافتند که نابرابری در سطح جهان در خلال سالهای ۷۵-۱۹۶۰ افزایش یافته ولی در سالهای ۱۹۷۵ الی ۱۹۹۵ کاهش داشته است بخصوص با دستیابی سریع چین و هند به رشد اقتصادی.

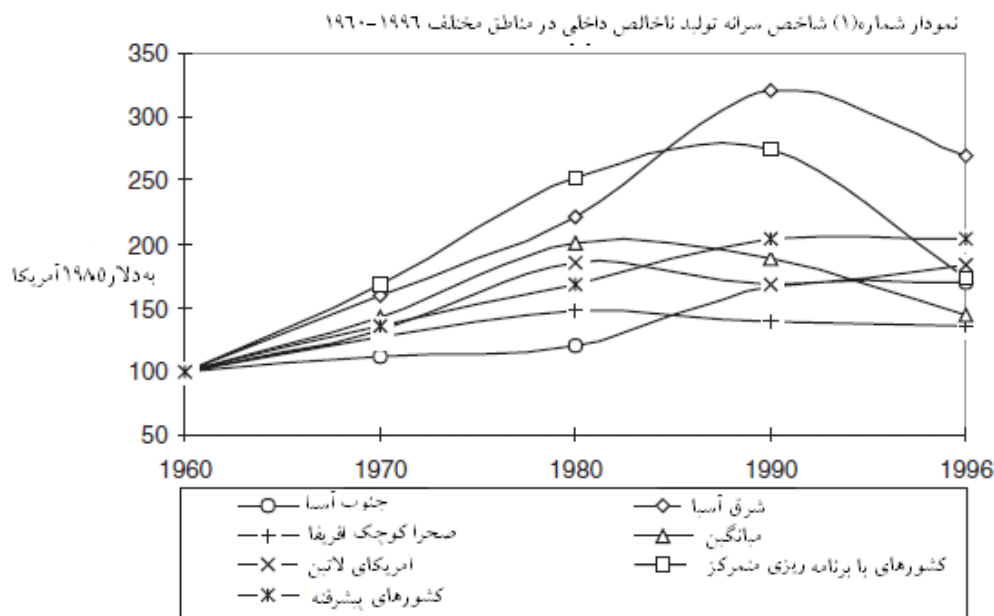
میلانویچ^{۲۳} (۱۹۹۹) نیز با مطالعه ۹۱ کشور بین سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۳ به نتایج متفاوتی رسید. بر اساس برآورد وی نابرابری درآمدی، محاسبه شده با شاخص جینی به طور نهایی از ۶۳ به ۶۶ رسیده است، ابتدا در اثر افزایش نابرابری درآمدی بین کشورها بجای رشد نابرابر در داخل کشورها. این نتیجه گیری به ظاهر متفاوت (متناقض) نشان دهنده تفاوت های اولیه ای است که در نمونه گیری از کشورها و دوره های زمانی که آنها مورد بررسی قرار داده اند و تغییراتی (بالا و پایین) که این تحلیل ها نشان می دهند، وجود داشته (Bigman, 2002, 39).

اگر چه در خلال سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۶ متوسط رشد تولید ناخالص داخلی جهان تا ۸۰ درصد رشد داشته است اما میزان رشد در بین کشورها و مناطق مختلف جهان متفاوت بوده است. در صحرای کوچک آفریقا متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی طی چهار دهه گذشته کمتر از ۱٪ بوده است و در دو دهه گذشته نیز واقعاً کاهش داشته است.

در حالی که در آسیای شرقی متوسط نرخ رشد GDP از سال ۱۹۸۰ به طور متوسط ۴/۵ درصد بوده است این رشد سریع اقتصادی در یک گروه از کشورهای در حال

توسعه و رکود نسبی در گروه دیگر دو تأثیر متضاد در توزیع درآمد جهانی داشته است. از یک سو معجزه آسیا و رشد سریع هند و برخی کشورهای آمریکای لاتین در خلال دهه ۹۰ شکاف درآمدی بین کشورهای توسعه یافته و این کشورها را کمتر نموده است، از سوی دیگر شکاف درآمدی و متوسط تولید ناخالص داخلی در کشورهای کمتر توسعه یافته بخصوص در صحرای کوچک آفریقا و کشورهای توسعه یافته به شدت وسیع تر شده است. به عنوان پیامد این روند متضاد نابرابری درآمدی جهان، تغییرات نسبتاً کمی در طول این سالها داشته است (بر اساس سنجش) و تأثیر عمده ای که روی اوضاع نسبی این کشورها در پلکان درآمد جهانی داشته است. چه نتیجه ای می توان از این تغییرات درباره همگرایی توزیع درآمد جهانی گرفت؟

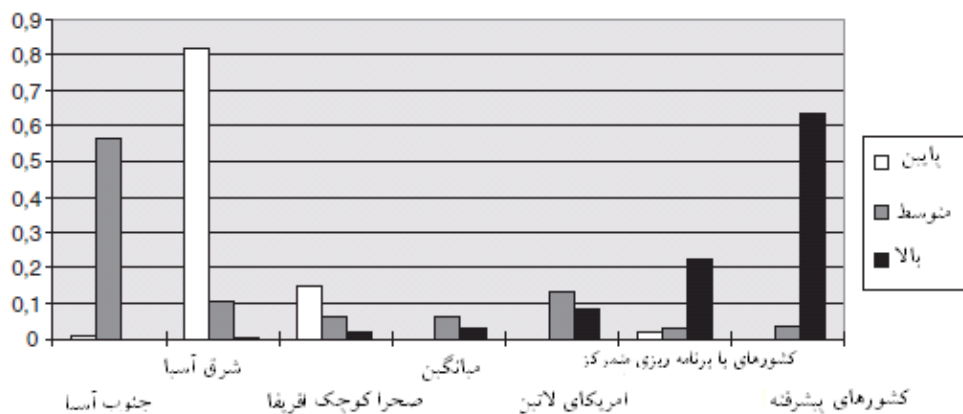
در سالهای ۱۹۶۰ کشورهای آسیای شرقی در پایین ترین نقطه پلکان درآمدی جهان با متوسط تولید ناخالص داخلی که ۲۰ درصد کمتر از کشورهای صحرای کوچک آفریقا و جنوب آسیا بود قرار داشتند در حالی که در سال ۱۹۹۸ همین شاخص در آسیای شرقی دو برابر متوسط کشورهای صحرای کوچک آفریقا بوده است. نتیجتاً این کشورها با یک جهش در بالاترین سطح پلکان قرار گرفته در حالی که صحرای آفریقا به پایین ترین سطح می افتند (نمودار شماره ۱).



ماخذ: بانک جهانی به نقل از (bigman, ۲۰۰۲, ۳۸)

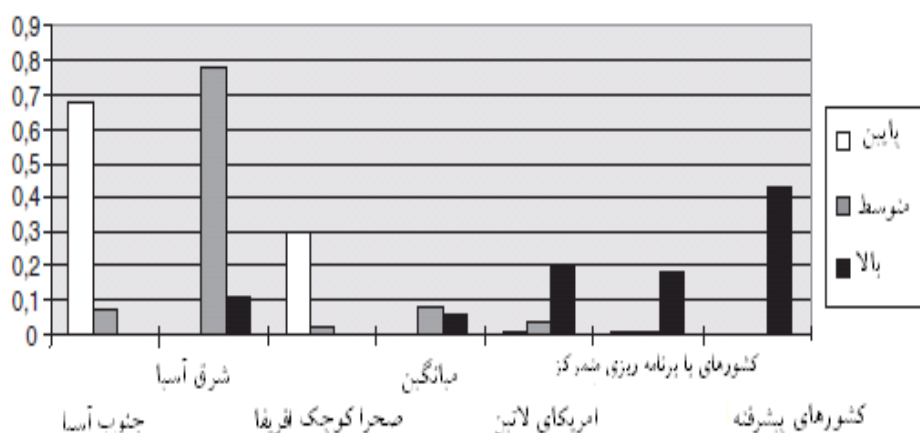
در دهه ۶۰ بیش از ۸۰ درصد جمعیت در کمتر از $\frac{1}{3}$ توزیع درآمد جهانی را به خود اختصاص می دادند، که در کشورهای آسیای شرقی بودند و در سال ۱۹۹۸، ۶۵ درصد از جمعیتی که در پایین تر از $\frac{1}{3}$ توزیع درآمد جهانی قرار داشتند در جنوب آسیا و ۳۱ درصد در صحرای کوچک آفریقا زندگی می کردند. در دهه ۶۰ کمتر از ۱۵ درصد جمعیت در بالاتر از $\frac{1}{3}$ توزیع درآمد جهانی را در کشورهای در حال توسعه به خود اختصاص می دادند در حالی که در ۱۹۹۸ سهم آنها به ۴۰ درصد رسید (جدول شماره ۱ و ۲).

جدول شماره (۱) سهم هر یک از مناطق در سه گروه درآمدی در سال ۱۹۶۰



ماخذ: همان، ۴۳

جدول شماره (۲) سهم هر یک از مناطق در سه گروه درآمدی در سال ۱۹۹۶



ماخذ: همان، ۴۳

جدول شماره ۳ نشان می دهد که تغییر در توزیع درآمد جهانی در طول دهه های ۶۰ تا ۹۸ همانگونه که با سه شاخص نابرابری درآمدی مشترک نشان داده شد، همبستگی جینی، شاخص تی یل و همبستگی واریانس نیز همان ها را نشان داد. هر سه شاخص نشان

جهانی شدن و تحولات ساختاری در جامعه روستایی..... ۲۳

می دهد که نابرابری درآمدی در طول سالهای ۱۹۶۰ تا ۷۰ تغییرات ناچیزی داشته اما از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۸ تغییرات قابل توجه بوده است در طول دهه ۹۰

جدول شماره (۳): سنجه های نابرابری درآمدی بین کشورها طی سالهای ۱۹۶۰-۱۹۹۸

شاخص	1960	1970	1980	1990	1998	(%) 1960-98: سالهای تغییر
نسبت حداقل/بیشتر ^۱	38.55	43.67	47.26	61.93	62.97	+63.3
نسبت کشورهای توسعه یافته به صحرای آفریقا ^۲	8.15	9.18	10.04	12.26	14.53	+78.3
شاخص جینی	0.63	0.63	0.62	0.60	0.58	- 8.1
سنجه تیل	0.60	0.61	0.60	0.56	0.49	-17.6
همبستگی واریانس	1.58	1.55	1.52	1.52	1.48	- 6.3

۱- نسبت بین متوسط سرانه تولید ناخالص داخلی در آمریکا و فقیرترین کشور
۲- نسبت بین متوسط سرانه تولید ناخالص داخلی آمریکا و متوسط کشورهای صحرای آفریقا
داخل: همان، ۴۳

کاهش در شاخص نابرابری جهانی ابتدا به دلیل رشد سریع چین و هند و سهم وسیع این کشورها در جمعیت جهان بوده است. در نتیجه این دو کشور همراه با دیگر کشورهای آسیای شرقی و برخی کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب به لحاظ درآمدی به یک وضعیت مطلوبی رسیده اند در حالی که دیگر کشورهای آفریقایی به وضعیت بدتری فرو غلتیده اند. با استفاده از دو شاخص دیگر در جدول شماره ۳ نشان داده شده که شکاف بین گروهی از کشورهای توسعه یافته با درآمد بالا و کشورهای صحرای آفریقا در طی این سالها، شکاف ۸۰ درصدی را نشان داده است و شکاف بین ثروتمندترین کشور (آمریکا) و فقیرترین کشور بیش از ۶۰ درصد افزایش داشته است.

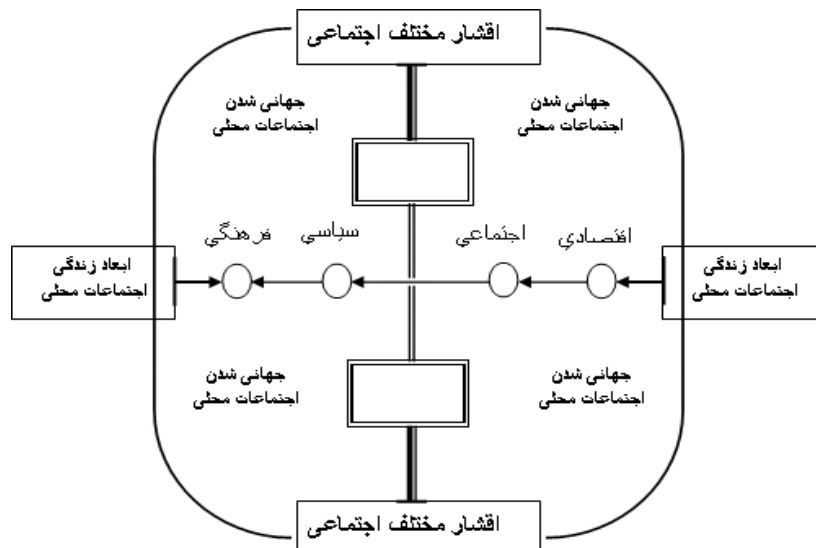
مختصراً اینکه مشاهدات دیگر نیز حاکی از آن است که، در طول دهه های ۸۰ و ۹۰ سهم کشورهای مثل صحرای آفریقا، جنوب آسیا، آمریکای لاتین و کارائیب از جهانی شدن چندان مثر ثمر نبوده است به گونه ای که شکاف در استانداردهای زندگی در این کشورها با کشورهای توسعه یافته بیش از هر زمان دیگر شده است در حالی که برای برخی کشورهای آمریکای لاتین، شرق آسیا، چین و هند جهانی شدن مثر ثمر بوده و رشد سریعی را در استانداردهای زندگی و کاهش فقر احساس نموده اند.

اگر سطح تحلیل‌ها از سطح بررسی کلان تغییرات ناشی از نیروهای جهانی شدن به سطح خرد و اجتماعات محلی سوق داده شود، می‌توان پی برد که این دو گروه از کشورها (یعنی برندگان و بازندگان جهانی شدن) چه تغییراتی را در سطوح خرد از سرگذرانده و چه سیری را طی می‌نمایند.

فرایند‌های جهانی شدن و الگوهای تغییرات اجتماعی جوامع محلی

بر اساس سنخ‌شناسی‌های انجام شده می‌توان دو الگوی عمده تغییر را در جوامع روستایی و محلی این کشورها بازشناسی نمود. الگوی اول را می‌توان مدل عرضی یا افقی نامید به گونه‌ای که در این مدل تغییرات حادث شده در ابعاد حیات اجتماعی مردمان محلی مورد بررسی قرار می‌گیرد از این حیث چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را می‌توان مورد توجه قرار داد و در این مدل جای داد. الگوی دوم را می‌توان مدل عمودی یا عمقی نامید که عمدتاً بر اساس تفکیک‌های قشربندی در جوامع روستایی مبتنی است به گونه‌ای که نیروهای جهانی شدن را در بین اقشار مختلف جوامع روستایی و محلی از بالا به پایین مورد بررسی قرار می‌دهد. لذا بر این اساس مدل‌های مطالعاتی برگرفته از این الگوها، و یا ترکیبی از دو الگوی مذکور است در هر صورت مطالعات انجام شده نتایج جالب توجهی را به دست داده‌اند.

شکل شماره (۱) الگوی مطالعاتی فرایند‌های تغییر ناشی از جهانی شدن اجتماعات محلی



بر اساس این مدل مطالعاتی می توان یک نمایی کلی از لایه های پایین جامعه روستایی را ترسیم کرد که در تحولات آتی چالش های عمده ای را پیش روی خود خواهند داشت. همانگونه که مدل نیز نشان می دهد این چالش ها از یک نقطه اقتصادی شروع شده و به ابعاد فرهنگی زندگی اجتماعات محلی ختم می شود. این نیروها با یک حرکتی خزننده به عمق و بطن جامعه روستایی نفوذ کرده و در دهه های آینده سبک زندگی و فرهنگ مردمان محلی را دگرگون خواهد ساخت. از این منظر یکی از اقشار جامعه روستایی، که جمعیت کثیری را شامل می شود مورد توجه قرار می گیرد. جمعیت روستایی را محققان توسعه روستایی (وئوتی، ۱۳۷۷، ص ۸۵، از کیا، ۱۳۸۳، ص ۸۲) براساس ملاک های اقتصادی و معیارهای اجتماعی فرهنگی به اقشار مختلف تقسیم نموده اند. با توجه به معیار اقتصادی و مهمتر از همه مالکیت زمین دهقانان را می توان در سه گروه دهقانان خرده پا، دهقانان متوسط و دهقانان مرفه تقسیم نمود (از کیا، ۱۳۸۳، ص ۸۲). در این میان دهقانان بدون زمین نیز معمولاً به سه گروه زارعان سهم بر، اجاره کاران و کارگران کشاورزی تقسیم بندی نمود (از کیا، ۱۳۷۵). در ایران و اکثر کشورهای آسیایی اکثریت جمعیت روستایی شامل دهقانان خرده پا و دهقانان بدون زمین می شود. به گونه ای که تا سال ۱۳۷۰، ۳۳/۴ درصد از واحدهای بهره برداری شامل دهقانان خرده پا می شد بدیهی است که به دلیل تقطیع و تقسیم زمین در اثر ارث و نظایر آن بر تعداد این قبیل بهره برداران روز به روز نیز افزوده می شود. این تقسیم بندی مبتنی بر اندازه زمین تحت تصرف با مطالعات جهانی مربوط به قشر بندی جامعه دهقان، به ویژه مقیاس ها و هنجارهای مربوط به گروه بندی در منطقه آسیا تا حدود زیادی مطابقت دارد (زاهدی مازندرانی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۸). براساس مطالعات انجام شده پیرامون اقشار آسیب پذیر روستایی در شهرستان گرمسار شغل اصلی دهقانان خرده پا کشاورزی است و از جهت نسبت درآمد به هزینه جزء پایین ترین اقشار به شمار رفته و درآمد آنان به سختی هزینه های آنان را تأمین می کند (از کیا، ۱۳۷۶).

با این توصیف محققان جهانی شدن و توسعه روستایی تأثیرات نیروهای جهانی شدن را در بین دهقانان خرده پا و متوسط و همچنین دهقانان بی زمین براساس مدل های مطالعات ارائه شده همچنان قوی و مؤثر می دانند.

دهقانان خرده پا و چالش‌های جهانی شدن

به اعتقاد چمبرز (۱۳۸۱، ص ۱۳۶) بخش عمده‌ای از کشاورزی جهان از نوع سوم یعنی کشاورزی پیچیده، متنوع و مخاطره آمیز است که عمدتاً به صورت دیمی و روی زمین‌های باتلاقی و مناطق گرمسیری نیمه خشک، نیمه مرطوب و مرطوب یافت می‌شود (چمبرز، ۱۳۸۱، ص ۱۳۶) علاوه بر فرآیندهای جهانی شدن و تأثیرات آن بر این قبیل دهقانان چالش‌های افزایش جمعیت، کوچکتر شدن زمین‌های تحت تملک، زوال محیط زیست و رکود یا کاهش تولید سرانه مواد غذایی عمیق‌تر شدن بحران را در این مناطق در پی داشته است. طبق یک برآورد (ولف، ۱۹۸۶) حدود ۱/۴ میلیارد نفر از مردم جهان به این نوع کشاورزی متکی هستند که از این میان تقریباً ۱۰۰ میلیون نفر در آمریکای لاتین، ۳۰۰ میلیون نفر در آفریقا و ۱ میلیارد نفر در آسیا زندگی می‌کنند. این نوع کشاورزی شدیداً مخاطره آمیز و تحت تأثیر ریسک‌های مختلفی نظیر تغییرات آب و هوایی ناگهانی، دگرگونی‌های غیرمنتظره دسترسی و قیمت‌های بازار قرار دارند. در برآوردی دیگر بانک جهانی در گزارش توسعه سال ۲۰۰۳ تخمین زده که حدود نیم میلیارد نفر از مردم کشورهای در حال توسعه در نواحی بایر و خشک و بدون دسترسی به سیستم‌های آبیاری زندگی می‌کنند. ۴۰۰ میلیون نفر در زمین‌های با ترکیب نامناسب برای کشاورزی ۲۰۰ میلیون نیز در نواحی کوهپایه‌ای با شیب زیاد و ۱۳۰ میلیون نیز در اکوسیستم‌های جنگلی آسیب دیده زندگی می‌کنند. برای سرمایه‌گذاری کشاورزی در آنها موانع و مسایل زیادی وجود دارد. علاوه بر حساسیت این زمین‌ها در مورد نوع و الگوهای بهره‌برداری عواملی مثل تجزیه و تقطیع زمین، فرسایش، سیلابها و رانش زمین نیز به آنها آسیب رسانده است (بانک جهانی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۲).

امروزه عمده‌ترین مسایل دهقانان خرده پا و دهقانان بی‌زمین که شامل زارعان سهم‌بر، اجاره‌کاران و کارگران کشاورزی می‌شوند (ازکیا، ۱۳۷۵) نه تنها مسایل فوق‌بلکه عوامل بیرونی متعددی است که در قالب نیروهای جهانی شدن بیان می‌شوند این نیروها بازارها را تحت کنترل خود قرار گرفته و جوامع روستایی که هم‌اکنون در یک کشاورزی تجاری دست به تولید می‌زنند شدیداً تحت تأثیر قرار داده است. از این جهت به لحاظ مدل عمودی مطالعه دهقانان خرده پا را محققان توسعه روستایی در سه قشر

جهانی شدن و تحولات ساختاری در جامعه روستایی..... ۲۷

عمده در سطح کلان با در نظر گرفتن نقش نیروهای جهانی شدن طبقه بندی کرده و تأثیر مسایل ناشی از آن را به طور افقی در بعد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زندگی آنها مورد پژوهش قرار داده اند. این اقشار عبارتند از: ۱- تولیدکنندگان کوچک^{۲۴}، ۲- کارگران و مهاجرین^{۲۵}، ۳- تولیدکنندگان بازارهای داخلی، ۴- اقلیت قومی و جنسی^{۲۶} (Farrington & Mitchell, 2006, 3).

دهقانان خرده پا و بازارهای جهانی (تولیدکنندگان کوچک)

با تشدید فرآیندهای جهانی شدن بخصوص در حوزه اقتصاد و بازارهای مالی جهان دهقانان خرده پا از چند جهت تحت تأثیر این فرآیند ها قرار گرفته اند. اگر به مدل مطالعه ارائه شده توجه شود دهقانان خرده پا و بی زمین به عنوان یکی از اقشار جامعه روستایی در یک برش افقی با مسایل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جهانی شدن تلاقی می کنند. این تلاقی از یک وضعیت اقتصادی شروع شده و به گستره فرهنگی کشیده می شود (Kydd, 2002, 8).

وضعیت اقتصادی دهقانان خرده پا در دهکده جهانی (چالش های اقتصادی پیش روی

دهقانان خرده پا)

عمده ترین چالش هایی را که در حوزه اقتصادی برای دهقانان خرده پا و کارگران بی زمین کشاورزی در یک اقتصاد درهم پیچیده مالی جهان رخ داده است عبارتند از: الف) اعتبارات ب) بازاریابی ج) بیمه د) زیرساخت ها (Farrington & Mitchell, 2006, 3) باردان در مطالعات تجربی خود درباره نقش جهانی شدن در وضعیت جامعه روستایی این مسایل را عمده ترین فشارهایی می داند که برای جامعه روستایی اهمیت بسیاری دارد. به عقیده وی اگر دولت ها نتوانند با تغییرات لازم در نوع و شیوه اداره این گروه و سیاست گذاری های محلی منطبق با نیازهای ملی و بین المللی گام های مؤثری در طی چند سال اخیر بردارند، بقاء برای این گروه از اجتماعات در دنیای رقابتی و کشاورزی تجاری و شرکتی سخت خواهد بود (باردان، ۲۰۰۶، ص ۱۳۹۵).

اولینتو^{۲۷} و داینیگر^{۲۸} (۲۰۰۰) با استفاده از داده های پانل درباره خانوارهای زارعین زامبیا نشان دادند که بسیاری از خانوارها به دلیل فقدان دارایی های دامی و زراعی از منافع ناشی از آزادسازی تجاری چیزی عایدشان نشده است. لوپز^{۲۹} و استاتون^{۳۰} (۱۹۹۵)

نیز در مطالعه ای مشابه در مکزیک به این نتیجه رسیدند که گشودن بازارهای تجاری برای تولیدات کشاورزی بدون توجه به عوامل بازدارنده ای نظیر دسترسی به اعتبارات، بازارها و بحث زیرساخت های مؤثر در روان سازی نظیر مقررات مالی (نرم افزاری) و حمل و نقل (سخت افزاری) تولیدکنندگان کوچک را تحت فشار قرار می دهد. در این راستا تولیدکنندگان بزرگ و متوسط، صاحبان شرکت ها و تعاونی ها با داشتن قدرت چانه زنی و زیرساخت های لازم بیشترین بهره را از گشایش بازارها می برند. علاوه بر این مقدار زیادی از سود ناشی از تجارت آزاد نیز شامل شرکت های بازرگانی محصولات کشاورزی می شود تا دهقانان خرده پا و کارگران کشاورزی. به گونه ای که بر اساس گزارش های روزنامه ها و هفته نامه های تجارت کشاورزی در هر ۴۴ جعبه موز که ۲۵ دلار در بازارهای آمریکا فروخته می شود فقط ۲ یا ۳ دلار نصیب تولیدکنندگان اکوادوری می شود. بازار قهوه نیز عمده‌تاً تحت سلطه چهار شرکت فراملیتی است. در دهه ۹۰ از بازار این محصول ۱۰ تا ۱۲ میلیارد دلار نصیب تولیدکنندگان شده این در حالیست که شرکت های پخش و توزیع فراملیتی، ۳۰ میلیارد دلار به جیب زده اند. در سال ۲۰۰۲ نیز با توجه به اینکه تولیدکنندگان سودی نبردند سود حاصله برای شرکت ها ۲ برابر شده است (Kydd, 2002).

سه کمپانی عمده ۸۰ درصد بازار جهانی چای را تحت کنترل خود دارند. صاحبان صنایع چای هندی بر این عقیده اند که کارتل‌های چای بازار چای را در پایین ترین حد خود نگه داشته اند.

کمپانی هایی مثل مانسانتو^{۳۱}، کارگیل^{۳۲}، نستل^{۳۳} و وال مارت^{۳۴} سیطره خود را در زنجیره عرضه محصولات کشاورزی از جویبات تا مواد موجود در قفسه های سوپرمارکت ها گسترانده اند، پنج کمپانی ۹۰ درصد تجارت کشاورزی را کنترل می کنند و شش شرکت تعاونی سه چهارم بازار جهانی سموم و آفت کشها را تحت کنترل دارند. وال مارت ۴۰ درصد بازار مکزیک و نستل با تأسیس شرکت انحصاری یو اچ تی بازار شیر پاکستان را کنترل کرده و علاوه بر آن ۸۰ درصد بازار شیر پرو را نیز تحت کنترل دارد. دو پانت^{۳۵} و مانسانتو ۶۵ درصد بازار دانه های ذرت و ۴۴ درصد بازار سویا را تحت کنترل خود دارند (باردان، ۲۰۰۶، ص ۱۳۹۷).

علاوه بر این مسایل چند مسئله دیگر نیز آینده تولیدکنندگان کوچک در کشورهای در حال توسعه را تحت فشار قرار می دهد، حمایت کشورهای توسعه یافته از تولیدکنندگان کوچک بخش کشاورزی خود با ارائه یارانه های مختلف، خدمات زیرساختی و سایر خدمات مالی، بیمه ای و اعتباری توان رقابت را از تولیدکنندگان دهقانان خرده پا در کشورهای در حال توسعه می گیرد. کلاین^{۳۶} (۲۰۰۴) تخمین زده است که حمایت همه جانبه از کشاورزی در کشورهای آمریکا به میزان ۲۰ درصد در اتحادیه اروپا ۴۶ درصد کانادا ۵۲ درصد و ژاپن ۸۲ درصد در قالب تعرفه ها و یارانه ها به گونه ای بوده که در مجموع ۴۵ میلیارد دلار از منافع بازار برای کشورهای در حال توسعه را از آنها گرفته است. به عنوان مثال قیمت صادراتی گندم آمریکا ۴۶ درصد پایین تر از هزینه های تولیدی آن است همین طور قیمت صادراتی ذرت نیز ۲۰ درصد پایین تر از هزینه های تولیدی آن است اگر یارانه ها و تعرفه های حمایت گرایانه از تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در این قبیل کشورها نباشد یقیناً در بازارهای جهانی دهقانان این کشورها متضرر خواهند شد (باردان، ۲۰۰۶، ص ۱۳۹۷).

تقابل شرکت های چند ملیتی پیشرفته در بازاریابی محصولات کشاورزی با دهقانان خرده پا نیز که در کشور خودشان از قوانین حمایتی برخوردار بوده و در بسیاری از موارد با وجود لایه های قومی قوانین را دور زده و همزمان نیز برای مشتریان خود ضمانت های کیفیت و امنیت فراهم می نمایند جان دهقانان خرده پا را می گیرد. از طرف دیگر فشار بر تولیدکنندگان کوچک و دهقانان خرده پا برای رعایت مسایل بهداشتی تولید محصولات و امنیت و کیفیت نیز بار هزینه های تولیدی را برای این قشر بالا برده است. به اختصار می توان گفت که به لحاظ اقتصادی این قشر مسایل و چالش های مختلفی را پیش روی خود دارند (باردان، ۲۰۰۶، ص ۱۳۹۸).

- دسترسی محدود دهقانان خرده پا به اعتبارات و فقدان مؤسسات مالی معتبر و مطمئن
- کاهش قیمت محصولات متداول صادراتی مثل قهوه، کاکائو، موز، چای
- تداوم فرسایش زمین های کشاورزی به لحاظ کمی و کیفی
- عدم وجود زیرساخت های لازم برای دسترسی به بازارهای داخلی و خارجی
- ناتوانی در رقابت حتی در بازارهای محلی

- عدم حمایت دولت‌های کشورهای در حال توسعه که عمدتاً سیاست‌های ضد کشاورزی دارند
- حمایت از مصرف‌کننده‌های شهری در مقایسه با تولیدکنندگان روستایی
- حمایت کشورهای پیشرفته از کشاورزان خود که ارزش صادراتی محصولات کشاورزی کشورهای در حال توسعه به آنها را از بین می‌برد
- نوسان قیمت در تولید و عواید ناشی از صادرات محصولات اولیه
- بی‌کفایتی تقاضا برای محصولات پایه به لحاظ درآمدی و قیمتی لذا منبع قابل اتکایی برای رشد صادرات و مبادله خارجی نیست
- ...

مجموع این مسایل و موارد پیش‌گفته وضعیت دهقانان خرده‌پا و سایر اقشار جامعه روستایی را در درازمدت در هاله‌ای از ابهام فرو می‌برد.

این مسایل پیامدهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز برای آنها به دنبال داشته است که برخی از این مسایل به طور خلاصه عنوان می‌شود. به لحاظ اجتماعی این قشر از روستائیان اگر چه در برخورداری از برخی امکانات زندگی بهره‌مند شده‌اند، لیکن در بسیاری از موارد در کشورهای جنوب آسیا، صحرای آفریقا و خاورمیانه و آمریکای لاتین دچار فقر و حذف اجتماعی شده‌اند قدرت چانه‌زنی و تسلط آنها بر تولیدات خویش از دست رفته است و ساختار زندگی اجتماعی آنها نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. تحقیقات نشان می‌دهد که از اوقات فراغت آنها کاسته شده و بر میزان ساعات کاری آنها و تعداد افرادی از عضو خانواده که در مزارع کار می‌کردند افزوده شده است. زنان و کودکان نیز به شدت در مزارع کار می‌کنند تا در کنار سرپرست خانوار بتوانند درآمد ناچیزی را برای یکساله خویش فراهم آورند. این مسئله بر آموزش، حفظ آداب و رسوم و سنن آنها، آرامش خانوادگی و شبکه‌های اجتماعی تأثیر گذاشته است. فردگرایی را در اجتماعات محلی گسترش داده و تفکر «هر کس به فکر خویش باشد» را رواج داده است. اگر چه این مسایل به طور دقیق مشخص نشده است و قسمی نیز ناشی از مدرنیزاسیون قلمداد شده است اما در هر صورت جهانی شدن را اگر ادامه مدرنیزاسیون و یکی از امواج سرمایه‌داری بدانیم این مسایل را تشدید نموده است.

به لحاظ سیاسی نیز قدرت و نفوذ دهقانان خرده پا که سابقاً در تحولات سیاسی اجتماعی برخی کشورها بخصوص کشورهای کمونیستی سهم بسزایی داشتند به شدت مضمحل شده است. اتحادیه های کارگری و کشاورزی در فرآیند سرمایه داری تجاری و جامعه شبکه ای قدرت چندانی ندارند چرا که ابزارهای تکنولوژیک و نفوذ سرمایه داری در عمق جوامع دور افتاده نیز اتحاد و همبستگی جوامع را از هم پاشیده و آنها را وارد بازارهای گسترده جهانی کرده است.

ملاحظات پایانی

با مرور سیاست ها و استراتژی های سازمان های توسعه و نشست های کشورهای بزرگ صنعتی و علاوه بر اینها حوادث و تغییرات اتفاق افتاده در چند دهه اخیر می توان دریافت که جهانی شدن نیز نظیر نوسازی تمام جوامع را از قبایل دور افتاده تا جوامع مدرن شهری و کلان شهرها تحت تأثیر امواج خود قرار می دهد. برخی روندها آثار کوتاه مدت دارند و برخی نتایج درازمدت. برخی مسایل و اثرات جهانی شدن روشن است و برخی تحولات نیز معلوم نیست ریشه در کجا داشته است. به عنوان مثال چن و راوالیون^{۳۷} (۲۰۰۴) برآورد کرده اند که طی سالهای ۲۰۰۱-۱۹۸۱ درصد روستائینی که زیر خط فقر با کمتر از یک دلار در روز زندگی می کردند در کشور چین از ۷۹ درصد به ۲۷ درصد کاهش داشته است و در کشور هند از ۶۳ درصد به ۴۲ درصد و در اندونزی از ۵۵ درصد به ۱۱ درصد رسیده است. آنها این کاهش فقر را ناشی از گشایش بازارهای محصولات کشاورزی و آزادسازی تجاری که ناشی از فرآیند جهانی شدن است می دانند. اما مخالفان استدلال می کنند که کاهش فقر در چین ناشی از اصلاحات ارضی سال ۱۹۷۸، گسترش زیرساخت ها، لغو ممنوعیت مهاجرت از روستا به شهرها و نظایر آن که همه از عوامل داخلی مؤثر در کاهش فقر و ارتقاء معیشت دهقانان خرده پا بوده است (Bardhan, 2006, 1394). در کشور هند نیز انقلاب سبز، برنامه های ضد فقر و جنبش های اجتماعی و تعاونی های فعال در هند، سیاست های اقتصادی حساس و فعال کردن تثبیت قیمت ها، سرمایه گذاری کلان در زیرساخت های روستایی از عوامل عمده ارتقاء معیشت دهقانان خرده پا بوده است نه جهانی شدن و عوامل ناشی از آن (Bardhan, 2006, 1394).

در آفریقا و برخی کشورهای دیگر نیز دلایل وخیم تر شدن اوضاع را می بایست در بی ثباتی های سیاسی، جنگ ها، تضادهای مدنی و استعمار جستجو کرد نه آزادسازی تجاری و فرآیندهای جهانی شدن (Bardhan,2006,1394). با این اوصاف نمایاندن تأثیرات قطعی و عینی جهانی شدن مستلزم تحقیقات بیشتر و کندوکاوهای جدی تر است.

پی نوشت ها

- | | |
|----------------------------------|--|
| 1-Interconnectedness | 20-Virtual Reality |
| 2-Shared social space | 21-Melchior, Telle and Wiig |
| 3-Deregulation | 22-Clark, Kraay & Dollar |
| 4-Trade liberalization | 23-Milanovic |
| 5-Privatization | 24- Small Producers |
| 6-Structural adjustment programs | 25- Labors and Migration |
| 7- The local | 26- Producers for Domestic Markets, Gender and ethnic minorities |
| 8- The global | 27- Olinto |
| 9- Bhagawati | 28-Deininger |
| 10- In defense of globalization | 29- Lopez |
| 11-Hyperglobalizers | 30- Stanton |
| 12- Transformationalists | 31-Monsanto |
| 13- Sceptics | 32-Cargill |
| 14-Disembedding | 33-Nestle |
| 15- Sklair | 34-Wal-mart |
| 16-Arrighi | 35-Dupont |
| 17- Cyclical Crisis | 36-Cline |
| 18-Manuel cast ells | 37-Chen and Ravalion |
| 19- Informationalism | |

منابع

- آلبرو، مارتین (۱۳۸۰). **عصر جهانی**. ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران: انتشارات آزاد اندیشان
- ازکیا، مصطفی، غفاری غلامرضا (۱۳۸۳). **توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی**. تهران: نشر نی
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۵). **جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران**. تهران: انتشارات اطلاعات
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۶). **پروسی اقشار آسیب پذیر جامعه روستایی منطقه گرمسار**. تهران، دانشگاه تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی
- استیگلیتز، جوزف (۱۳۸۲). **جهانی سازی مسایل آن**. ترجمه حسن گلریز. تهران نشر نی
- امینی، علی (۱۳۸۳). **جهانی شدن یا جهانی سازی پیشینه و چشم انداز**. تهران: نشر دیگر
- بها گواتی، جاگدیش ناتوارلعل (۱۳۸۴). **دفاع از جهانی شدن**. ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- چمبرز، رابرت (۱۳۸۱). **چالش با حرفه ها**. ترجمه علیرضا خرمایی. تهران: انتشارات روستا و توسعه ۴۴

جهانی شدن و تحولات ساختاری در جامعه روستایی..... ۳۳

دراگسبانک اشمیت، یوهانس؛ هرش، ژاک (۱۳۸۴). **جهانی سازی و تحولات اجتماعی**. ترجمه عباسقلی غفاری فرد. تهران: انتشارات نگاه

رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰). **جهانی شدن: تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی**. ترجمه کمال پولادی. تهران: نشر ثالث

ریتزر، جرج (۱۳۷۷). **نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر**. ترجمه ثلاثی. تهران: انتشارات علمی زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۷۵). **آسیب پذیری روستایی. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه**. شماره ۸۱ تهران: وزارت جهاد و کشاورزی

زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۷۲). **مسائل نظری و شاخص های علمی قشریندی اجتماعی در جامعه روستایی. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه شماره ۵**، تهران، وزارت کشاورزی کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). **عصر اطلاعات ۳ جلد: اقتصاد، جامعه و فرهنگ**. ترجمه احد علیقلیان، افشین خاکباز. تهران: طرح نو

کراکر، دیوید آلن (۱۳۷۳). **فلسفه اخلاق توسعه، جهانی شدن و جوزف استگنیز**. ترجمه حاجی حیدری. تهران: راهبرد، سال اول، شماره دوم

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). **جامعه شناسی**. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). **پیامدهای مدرنیته**. ترجمه ثلاثی. تهران: انتشارات مرکز

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). **تجدد و تشخیص**. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). **راه سوم**. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر شیرازه

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). **جامعه شناسی**. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی

گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). **جهان رها شده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی**. ترجمه علی اصغر سعیدی، یوسف حاجی عبدالوهاب. تهران: علم و ادب

گزارش توسعه جهانی بانک جهانی (۱۳۸۳). **توسعه پایدار در جهان در حال تحول**. ترجمه علی حبیبی و دیگران. تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشوری

محمدی الموتی، مسعود (۱۳۸۵). **مفهوم جامعه جهانی و تحلیل فرآیند جهانی شدن**. تهران: انتشارات مؤسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی

نش، کیت (۱۳۸۰). **جامعه شناسی سیاسی معاصر**. ترجمه محمد تقی دلفروز. تهران: انتشارات کویر

وثوقی، منصور (۱۳۷۷). **جامعه شناسی روستایی**. تهران: انتشارات کیهان

واترز، مالکوم (۱۳۷۹). **جهانی شدن**. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، سیاوش مریدی. تهران: سازمان مدیریت صنعتی

هلد، دیوید و مک گرو، آنتونی (۱۳۸۲). **جهانی شدن و مخالفان آن**. ترجمه عرفان ثابتی. تهران: انتشارات ققنوس

Albrow, M. (1996). **The Global ago**. Cambridge: polity press

Arrighi, G. (2005). 'Globalization in world-systems perspective'. In R. Appelbaum and W.I. Robinson (eds), **Critical Globalization Studies**, 33-44. New York: Routledge.

Bardhan, Pranab (2006). Globalization and Rural Poverty. **World Development** vol. 34, No. 8, pp. 1393-1404

Bigman, David (2002). **Globalization and the Developing Countries. Emerging Strategies for Rural Development and Poverty Alleviation**, CAB Publishing

Boltho, A. and G. Toniolo (1999). **The Assessment of the 20th Century Achievements, Failures, Lessons**. **Oxford Review of Economic Policy**, 15(4), 1-17.

- Chen, S., & Ravallion, M. (2004). How have the world's poorest fared since the early 1980s? **World Bank Research Observer**, 19(2), 141–170.
- Cline, W. R. (2004). **Trade policy and global poverty**. Washington, DC: Center for Global Development, and Institute for International Economics.
- Deininger, K., & Olinto, P. (2000). Asset distribution, inequality, and growth. **World Bank policy research working paper 2375**. World Bank: Washington, DC.
- Dollar, D. (2001). Globalization, Inequality and Poverty since 1980. **Development Research Group**. World Bank, November.
- Dollar, D. (2001). Globalization, Inequality and Poverty since 1980. **Development Research Group. World Bank**, November.
- Farrington, John & Mitchell, Jonathan (2006) how can the rural poor participate in global economic processes? . **natural resource perspectives**, 103, odi, overseas development institute
- Firebaugh, G. (1999). Empirics of World Income Inequality. **American Journal of Sociology**, 104(6), 1597-630.
- Giddens, A. (1990). **The Consequences of Modernity**. Cambridge: Polity Press.
- Held, D., McGrew, A., Goldblatt, D. and Perraton, J. (1999) **Global Transformations**. Cambridge: Polity Press.
- Kydd, Jonathan (2002). Agricultural and rural livelihoods : is globalization opening or blocking paths out rural poverty?, **agricultural research & extension network** . network paper No.121
- Lopez, R., Nash, J., & Stanton, J. (1995). Adjustment and poverty in Mexican agriculture: How farmers wealth affects supply response. **World Bank policy research working paper 1494**. World Bank: Washington, DC.
- Mc Grew, A. (1992). A Global Society? **In S. Hall, D Held and A. Mc Grew, Modernity and its futures**. Polity Press: Cambridge.
- Melchior, M., K. Telle and M. Wiig (2000). "Globalization and Inequality: World Income Distribution and Living Standards 1960-1998," Studies on Foreign Policy Issues. Report 6B: 2000. Royal Norwegian Ministry of Foreign Affairs, Oslo.
- Milanovic, B. (1999) **True World Income Distribution: 1988 and 1993**. Washington, DC: World Bank.
- Radetzki M. and B. Jonsson (2000). The 20th Century of Increasing Income Gaps. But How Reliable are the Numbers? **Ekonomisk**, 1:43-58.
- Ravallion, M., & Chen, S. (2004). China's (uneven) progress against poverty. Unpublished draft.
- Robinson William I. (2006) **Theories of Globalization, in Ritzer, George (2006) The Blackwell Companion to Globalization**, Blackwell Publishing Ltd
- Robertson, R. (1992). **Globalization: Social Theory and Global Culture**. London: Sage
- Schultz, P. T. (1988). Inequality in the Distribution of Personal Income in the World: How Is It Changing and Why? **Journal of Population Economics**, 11:307-44.
- Sklair, Leslie (2002). **Globalization: Capitalism and Its Alternatives**, third edn, Oxford: Oxford University Press.
- Thompson E. P. (1967). Time, Work—discipline and industrial Capitalism. **Past and Present** 36:57-97.
- Whitrow, G. (1988). **Time in history**; The Evolution of our Geural Awareness of Time and temporal Perspective, Oxford university Press.
- Wallerstein, Immanuel (1991). **Geopolitics and Geoculture: Essays on the Changing World-System**. New York : Cambridge University Press
- Wolf, E. C. (1986). Beyond the Green Revolution: New Approach for Third World Agriculture, **Worldwatch paper 73**, worldwatch institute, Washington DC